سه قدم در رفع استناکار تعدد قرائات

- الف) شاهدیت رسم « صراط » بر وجود دو قرائت و تحفظ مسلمین بر قرائات
- ب) تعدد قرائات؛ منتسب به ملک وحی و نشانه کامل و علو قرآن
- ج) پذیرش تعدد قرائات قبل از قرن یازدهم توسط علماء شیعه و عدم اعتراض به تعدد آنها

الف) شاهدیت رسم « صراط » بر وجود دو قرائت و تحفظ مسلمین بر قرائات

شاگرد: این فرمایش که فرمودید قرآن طوری کتابت شده که هم «ملک» و هم «مالک» خوانده شود، این کار نسبت به مفسده هایی که بعداً بر آن مترتب میشود ترجیح دارد؟ مثلاً اینکه اختلاف شود که کدام قرائت صحیح است و ... .

استاد: ببینید ابتدا گفتید که تو میگویی، این را من نمیگویم. ما قبلاً در مورد اینکه این رسم به این صورت نوشته شده، مباحثه کردیم. ابن جزری میگوید، قبلش دانی سیصد، چهارصد سال قبل از او میگوید و ... . وقتی نگاه میکنید میبینید اینکه میگویند کاتب به این صورت مینوشت... . مثلاً میگویند عرب لغت «صراط» را با «ص» ندارد. خب پس چرا کاتب با «ص» نوشت؟! میگویند چون مسلمانان از حضرت دو جور شنیده بودند که ملک وحی آورده-یکی صراط با ص و یکی سراط با س- لذا کاتب گفت اگر با «س» بنویسم مطابق لغت عرب است و همه هم طبق آن میخوانند اما قرائت با «ص»، نسی منسی میشود. گفت من «صراط» را با «ص» مینویسم تا حافظ قرائت «ص» باشد، و قرائت «س» را که خود عرب هم میخواند. الآن هم که عروه را باز میکنید مرحوم سید میگویند «یجوز قرائة الصراط، بصاد و السین». چرا؟ چون قراء سبعه خواندهاند. اینها نکات مهمی است. من عرض نکردم. من دارم اینها را نقل میکنم. پس من نمیگویم، اینها از قدیم بوده و میگفتند که در رسم المصحف تعمد داشتند که اینها را بیاورند.

ب) تعدد قرائات؛ منتسب به ملک وحی و نشانه کامل و علو قرآن

نکته دوم در مورد مفاسدی است که بر قرائات مترتب است. ببینید ما وقتی با مطالب انس ندارید، این حرف درست است. یعنی بعد از صنعت چاپ این حرفها آمد. همه به قرائت حفص انس گرفتند. قبلش به این صورت نبود. یعنی زمانهای سابق افراد القرائه را داشتیم اما همه قرائات هم بود. مجمع البیان را باز کنید. قبلاً هم عرض کردم، کسی که حقی بر من طلبه در این بحث وزین دارند، مرحوم طبرسی هستند. ما مجمع البیان را مباحثه میکردیم، مرحوم طبرسی با زور ما را به بحث قرائات می کشاندند. القرائه، الحجه. گاهی باید دو-سه روز بحث میکردیم تا مباحثه صاف شود. میدیدیم که در این فضا واراد شدیم. خب کسی که در این فضا وارد میشود، برای او تعدد قرائات مفسده دارد؟! اگر بگوییم مفسده دارد و تشتت آور است؛ همانطور که آن مستشرق گفته بود ما در تمام تاریخ کتب بشر متنی مضطرب تر از متن قرآن ندارید. این را بهعنوان قدح میگوید. یاداتان هست که در آن جلسه گفتم؟ گفتم وقتی من این حرف را دیدم به یاد فرمایش امیرالمؤمنین علیهالسلام افتادم که به معاویه گفتند. معاویه نوشت «کنت تقاد کما یقاد الجمل الغشوش حتی تبایع»؛ تو علی مانند کسی هستی که او را برای بیعت میبرند تا اینکه بیعت کنی. حضرت به او چه جواب دادند؟ فرمودند «ارادت ان تذم فمدحت»؛ تو میخواستی به من بد بگویی درحالیکه داری خوبی من را میگویی.

همین مستشرق –بعدها که بحث گستردهشود میبینید- اراد ان یذم القرآن فمدح القرآن. وقتی او میگوید که این مضطرب است، میگوییم وای اضطراب دارد، اما وقتی جلو میرویم گستردگی و انعطاف یک کلام را میبینیم...؛ در علم نشانه شناسی عرض کردیم که نشانههای چند منظوره داریم که مطالب متعددی را سامان میدهد، میبینیم «اراد ان یذم فدمح». یعنی اساساً نسبت این اضطراب نه تنها قدحی نیست، بلکه کمال قرآن است. از کجا میگوییم؟ مکرر عرض کردم، برای خداوند کاری داشت که جلوی این تعددها را بگیرد؟! برای پیامبر او کاری داشت؟! هر چه رواایات را نگاه میکنیم میبینیم برعکس است. مدام میداد میدادند. خب عثمان آمده اینها را یکی کرد و جانش را هم سر آن گذاشت. اما بعد برای اهل البیت کاری داشت که یک قرائت را بین شیعه جا بیندازند؟! شعار شیعه باشد. این مفصل عرض شد. به خلاف اینکه فقهاء بزرگ ما بگویند نه، شیعه اجماع دارد که همه اینها جایز است. «ملک» یا «مالک»؟ هرکدام را که دوست داری بخوان. حالا به زمان ما بیایید؛ مبانء عوض شده و هوا مغبر شده، میگوییم قاعده اشتغال چه میگوید؟ قاعده اشتغال میگوید شما باید نمازت را بخوانی، خب حالا «ملک» یا «مالک» بخوانم؟ قاعده اشتغال میگوید باید هر دو را بخوانی. خب اگر هر دو را بخوانی یکی از آنها کلام آدمی میشود. تنها یکی از آنها برای خدا است. مرحوم آقای آملی فرمودند احتیاط این است که دو نمازت بخوانیم. به اینجا میرسد.

آن اجماع صافی که سالها بوده، وقتی مبانء مغبّر میشود به اینجا میرسد. و حال آنکه زدن پیشینیان و زدن اکثر علماء واضح بوده که هر دوی آنها را ملک وحی آورده است. اصلاً مشکلی

ندا‌شتند. وقتی تفسیر عیاشی را باز می‌کنید می‌گوید محضر امام بودم ای شاید به ایشان اقتدا هم کرده بود، سمعته غیر مرة یقرأ ملک، و روایت بعدی می‌گوید «سمعته یقرأ مالک».

ج) پذیرش تعدد قرائات قبل از قرن یازدهم توسط علماء شیعه و عدم اعتراض به تعدد آنها

قدم سوم مهمتر بود. کاری داشت علماء اسلام و مفسرین مواظبت کنند و دهن کسانی را که در قرآن اجتهاد میکنند را ببندند؟! کسانی که اجتهاد میکنند و قرائت در میآورند؟! کما اینکه میکردند و چه برخوردهایی میشد. و حال آنکه برعکس است. از قراء از مفسرین از روز اول مدام به این تعدد قرائات، باد زدند. مدام آن را نشر دادند. مدام آن را گفتند. عرض کردم ثلث ثبای شیخ الطائفه قرائات است. کاری ندارد. شما ببینید. مرحوم شیخ چقدر به تفصیل قرائات را بررسی میکنند! سید رضی، سید مرتضی و.. . قطب الدین راوندی که ایشان از بزرگان است، گفتند این قرائات علی مذهب اصحابنا، کلام الله هستند. اینها درست است، حتی سه قرائت از آنها هم درست است.

بنابراین اصلاً مسلمین با تعدد قرائات بهعنوان یک اضطراب برخورد نمی کردند. بلکه بعدها عوض شده است. لذا گفتم این بحث ما فوق ضرورت است. ضروری نیست، فوق ضروری است. یعنی نگوییم که شیعه به این صورت میگویند. پس این عبارت مفتاح الکرامه چه بود؟! این کتاب فقهی اصیل چه میگوید؟! چه کسی در تخصص صاحب مفتاح الکرامه شک دارد؟! این بزرگ میگوید «فالظاهر من کلام اکثر علمائنا و اجماعاتهم انها متواترة الیه صلیاللهعلیهوآله».